

نشست علمی تخصصی هنر، معماری و شهرسازی عصر پنجشنبه ها

محل برگزاری: سالن اجتماعات مهندسين مشاور هرم پی

زمان: پنجشنبه ۲۲ آبان ۱۳۹۳

عنوان: هنر و معماری معاصر ایران

سخنرانان و اعضای پnl: آقای دکتر وحید قبادیان، آقای شهریار سیروس

چکیده‌ای از سخنرانی‌ها به شرح زیر می‌باشد.

سخنران اول آقای دکتر وحید قبادیان، سخنران اول جناب آقای دکتر وحید قبادیان، ابتدا به مشکل اساسی، که امروزه در ایران وجود دارد، می‌پردازد و آن اینکه هنر ها با هم رابطه ای ندارند، در صورتی که در گذشته در یک اثر شاخص و فاخر معماری، ارتباط ارگانیک بین هنر ها کاملاً مشخص بود و همینطور قبل از اسلام در حجاری ها و مجسمه سازی ها این ترکیب و انسجام وجود داشته است. در معماری غرب نیز، همیشه این ارتباط بین هنر ها بوده است. مثلاً وقتی رنسانس اتفاق می‌افتد، فقط مختص معماری نیست بلکه در نقاشی، مجسمه سازی، ادبیات و .. تاثیر می‌گذارد. بنابر این وقتی یک اتفاق می‌افتد منحصر به یک گونه هنر نیست. دکتر قبادیان در ادامه به این مطلب اشاره می‌کنند که زمانی که ما از جهان شرق به جهان سوم قدم گذاشتیم، ویژگی های ما نیز تبدیل به ویژگی های جهان سوم شد. چنانچه منبع الهام در جهان شرق سنت ها و گذشته خودش است و منبع الهام در جهان سوم جهان دیگری به نام جهان اول است. وی به تقسیم بندی دوره قاجار می‌پردازد:

۱- دوره اول : آقا محمدخان تا ناصرالدین شاه (شیوه اصفهانی)

۲- دوره دوم : ابتدای سلطنت ناصرالدین شاه (شیوه تهرانی که تلفیقی است از شیوه اصفهانی و نئوکلاسیک غرب) از این زمان سواد شهر تهران به سمت سواد فرنگی می‌رود و هر آنچه مربوط به غرب است در همه هنر ها از جمله معماری وارد می‌شود.

۳- دوره سوم : اواخر ناصر الدین شاه (نئوکلاسیک و تهرانی) گسترش مدرنیزاسیون

جناب آقای دکتر قبادی اشاره دارند به اینکه مذهب همیشه سنت ها را در تمامی عصر ها حفظ کرده است. اولی ساختمان مذهبی که به تاثیر از غرب ساخته شد، تکیه دولت است. به گفته وی میدان توپخانه که بعداً میدان سپه و بعد از آن میدان امام خمینی نام گرفت، نقطه عطفی در شهر سازی ماست و اولین میدان مدرن در ایران محسوب می‌شود. در گذشته مهم ترین عملکرد میدان ها اجرای مراسم مذهبی بود و در جوار این میدان ها، بازار، مسجد، دارالحکومه، حمام و آب انبار بوده است. در صورتیکه عملکرد اصلی میدان توپخانه، نگه داری توپ بوده است و روی محور اصلی میدان، به جای مسجد، بانک است. دکتر قبادیان به دوره رضا شاه می‌پردازد. در این زمان دیوار ها از حاشیه تهران برداشته می‌شود و با آمدن اتومبیل رفته رفته گذر ها خود را به خیابان ها می‌دهند. این دوره اوج شکوفایی سبک ملی است. سبکی که از دوره ساسانی و هخامنشی تبعیت می‌کند. دکتر قبادیان بر این موضوع تاکید میکنند که امروزه ۹۰ درصد از بافت های سنتی شهر های ما، مربوط به معماری قاجار است و به نظر وی در دوره قاجار تلفیق معماری ایرانی و غرب، نسبت به امروز خیلی پخته تر بوده است.

سخنران دوم آقای شهریار سیروس، سخنران دوم جناب آقای شهریار سیروس، وی به مشکلاتی که ما در ایران در زمینه نقاشی با آن مواجه هستیم اشاره می کند. مهمترین مشکل ما در این زمینه منابع است. زیرا ما منابع کافی در این زمینه نداریم. بحران دیگری که ما با آن روبهرو هستیم این است که آثار نقاشی ایران در جهان پراکنده است و در دسترس نیست. بنابراین آنچه به عنوان مبنای تاریخ نقاشی ایران داریم بیشتر از این که تاریخ نویسی باشند تذکره نویسی است. مشکل دیگر نداشتن سبک شناسی در نظام سنتی و مدرن است. سبک های ما دو گونه هستند یا بر حسب شهر نام گذاری می شوند مثل مکتب هرات که خیلی اشتباه است، زیرا فقط مختص هرات نیست، چرا که نیمی از ایران را مکتب هرات پوشش می دهد. یا بر حسب سلطنت است مثل دوره زند و قاجار، در صورتی که در صورتی که در این دوران تحولات متعددی رخ می دهد. بنابراین ما با مجموعه ای از ابهامات رو به رو هستیم. جناب آقای سیروس به اتفاقاتی که جریان اندیشه و نقاشی در ایران را تغییر داد می پردازد:

۱- ارتباط با اروپا : نقاشی هایی که به عنوان هدیه از عثمانی و دورتر از آن به دربار ایران می آمد و باعث تغییر سلیقه پادشاهان ایرانی می شد.

۲- آمدن نقاشان هلندی به دربار صفوی و آشنا کردن ایرانیان با نقاشی واقع گرای اروپایی به خصوص مکتب هلندی.

۳- نقاشان ارامنه که از عثمانی کوچ می کنند و چند نمونه از نقاشی های خوبشان را به ایران می آورند.

۴- نقاشان گورکانی از هند که تحت تاثیر استعمار هستند، فرنگی کاری را به ایران می آورند.

۵- پیوستگی با ادبیات و عرفان و تصوف است. این ها عواملی هستند که نقاشی ایرانی را به صورت سنتی تعریف می کردند.

در دوره صفوی هنر فرد اعلا نقاشی به اشباع می رسد اولین حرکت مدرن، محمد زمان نقاش این دوره است که اولین نقشی است که به اروپا می رود و حدودا ۱۰۰ سال بعد نقاشی از حیطة کتاب و ادبیات بیرون می آید و دیگر داستان سرایی نیست. رضا عباسی از جمله کسانی است که نقاشی را از پیوند مستحکم ادبیات بیرون می آورد و تلاش های موفقی در چهره پردازی می کند. آقای سیروس به این مطلب اشاره می کنند که در اروپا فقط دربار نیست که سفرش دهنده قدرتمند و تربیت کننده هنرمند است بلکه نظام دیگری به نام کلیسا هم در این زمینه نقش دارد. در حالی که در ایران فقط دربار است و نظام مذهبی تاثیری در هنر ندارد. حتی مذهبی ترین بنا ها هم توسط دربار به وجود آمده اند. این عامل میتواند تاریخ ما را تغییر دهد. یعنی با یک تغییر سیاسی چنانچه در پائین دوران صفویه اتفاق افتاد، ما با یک گسست ۵۰ ساله فرهنگی رو به رو می شویم. هنرمندانی که از دربار سفارش می گرفتند به یکباره دیگر چیزی ندارند. آقای سیروس تاریخ نقاشی ایران را به ۴ دوه تقسیم می کند:

دوران اول : دوران چالش وفاداری (زمان شاه عباس)

دوران دوم (طلیعه قرن بیستم) : دوران غلبه (کمال الملک و ناصرالدین شاه) شکست سنت و غلبه تحولات معاصر و مدرن بر سنت
دوره سوم : دوره هویت مدرن (دهه ۱۳۴۰) از طرفی نه می خواهیم جیره خوار غرب باشیم و نه به گذشته از دست رفته خودمان رجوع کنیم. ما می خواهیم کاملا ایرانی و عمیقا مدرن باشیم. شخصیت کلیدی این دوره فرح پهلوی می باشد.

دوره چهارم : دوره نبرد ایده (۱۳۵۷ به بعد) انقلاب اسلامی

آقای سیروس در آخر به دوره چالش وفاداری می پردازند. دوره چالش وفاداری خود شامل ۳ دوره می شود:

